

سرمقاله Editorial

سرمایه اجتماعی و ضرورت پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه Social capital and necessity for community based participatory research

دانش مرز مشخصی ندارد و فرایندی دوجانبه است که انتشار آن سبب بازتاب گسترده‌ای در جامعه شده و زمینه اجتماعی لازم برای «تغییر» واقعی را فراهم می‌سازد. در اینجا است که مفهوم سرمایه اجتماعی (Social Capital) مورد توجه قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی عبارت است از ویژگی‌های سازمان‌های اجتماعی نظیر شبکه‌های همکارها و ارزش‌ها و اعتماد اجتماعی که بستر هماهنگی و همکاری لازم برای بهره‌مندی دوجانبه را فراهم می‌سازد. سرمایه اجتماعی مجموعه روابط، شبکه‌ها و همکارهایی است که امکان فعالیت‌های جمعی را میسر می‌سازد. جامعه هوشیار و دانا با روابط اجتماعی قابل اعتماد و پایبند به ارزش‌ها از پویایی لازم برای توسعه پایدار برخوردار است. بنابراین سرمایه اجتماعی نقش مهمی در رشد سلامت خانواده‌ها دارد.

سرمایه اجتماعی را به دو نوع می‌توان تقسیم کرد: محلی و عمومی. سرمایه اجتماعی محلی، در بین اعضای خانواده، همسایگان و اتحادیه‌ها وجود دارد و سرمایه اجتماعی عمومی شامل گروه‌های مختلف مردم و فراتر از مرزهای اجتماعی سنتی و جغرافیایی موجود است. هر دو گونه سرمایه اجتماعی از اجزای حساس برای عملکرد سالم جامعه تلقی می‌شوند.

سرمایه اجتماعی در صورت مختلف زندگی مدنی خود را نشان می‌دهد. درگیر شدن در زندگی شهروندی با نشانه‌هایی مانند مشارکت در امور عمومی (به عنوان سهیم شدن و نه علاقه‌مندی فردی) شناخته می‌شود.

سرمایه اجتماعی به طور معمول از طریق مشارکت در اتحادیه‌ها و ساختارهای تعاونی اجتماعی بیان می‌شود که شامل مساجد، کلیساها، احزاب سیاسی، انجمن‌های اجتماعی، باشگاه‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و تعاونی‌ها و مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی مانند مشارکت در انتخابات و کارهای داوطلبانه است.

سرمایه اجتماعی به صورت فرآیند ظرفیت‌سازی جامعه نیز بیان می‌شود. ظرفیت‌سازی شامل بازاندیشی استفاده از منابع جامعه است و این به مفهوم داشتن دید همه‌جانبه به گستره منابع در دسترس جامعه و درک درست از آنها به عنوان دارایی‌های (assets) قابل کنترل برای ساختن جامعه قوی‌تر، است.

توجه به سرمایه اجتماعی از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد و این بینش را القا می‌کند که جامعه در پرتو همکاری‌های جمعی و فرآیند کامل تشکل‌های مردمی و ایجاد ارتباط و شبکه‌ای از همکاری‌های مؤثر و به مفهوم گسترده تعامل اجتماعی، می‌تواند سازندگی داشته باشد. تعامل اجتماعی به معنای ارتباطاتی است که افراد و سازمان‌ها با هم روزانه تجربه می‌کنند و این تجربه زیربنای مدنی را می‌سازد. زیربنای مدنی شامل فرآیندهای اجتماعی رسمی و

غیر رسمی تصمیم‌گیری، مشارکت عمومی و درگیر شدن در امور مدنی است. زیر بنای سالم مدنی، پیوندی قوی بین خانواده‌ها، همسایگان و کل جامعه ایجاد می‌کند. سرمایه اجتماعی نقش مهم دیگری نیز دارد و به نظر می‌رسد که به عنوان مبنایی برای یادگیری در بین افراد خانواده‌ها و یادگیری در جامعه عمل می‌کند. سرمایه اجتماعی و نقش آن در نشر سرمایه‌های انسانی مفهوم «کانال‌های اطلاعاتی» (Information Channels) را می‌سازد و به عقیده کلمن این واژه به مفهوم اطلاعاتی است که در روابط اجتماعی به ارث می‌رسد. میزان اطلاعاتی که در اختیار عضوی از جامعه است و در دسترس اعضای دیگر قرار می‌گیرد به سهم آنها در سرمایه اجتماعی بستگی دارد و برای اعضای چنین جامعه‌ای گرفتن اطلاعات از درون به نسبت بیرون جامعه هزینه‌ای کمتری خواهد داشت. در این میان خانواده‌ها به عنوان کانال‌های اطلاعاتی نقش مؤثری در یاددهی و یادگیری دارند. افزایش کانال‌های اطلاعاتی از طریق آموزش مداوم جامعه و افزایش دانش میسر می‌شود و بدیهی است که نقش دانشگاه‌ها به عنوان عوامل تولید و انتشار دانش رخ می‌نماید. شناسایی مسائل توسعه سلامت از بیرون و رویکرد سنتی «بر مبنای نیازها» (need-based approach) به توسعه نمی‌انجامد، بلکه این توسعه باید از درون و براساس مهارت‌ها و ظرفیت‌ها و دارایی‌های جامعه باشد (Assesst-Based Community Development). هدف این رویکرد، توسعه از راه افزایش ظرفیت‌های اجتماعی و محور قرار دادن دانایی‌هاست و در این راه انجام پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه به مفهوم شناسایی جمعی مسائل، تحلیل و آزمون راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به طور جمعی، ارتقای مداوم دانایی جامعه و شکل‌گیری جامعه یادگیرنده نقش مهمی دارد.

پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه فرآیندی است که کار با گروه‌های جمعیتی مشخص را توسعه می‌دهد و شاید نتوان تعریف معینی از آن به دست داد؛ زیرا ممکن است تعیین یک قالب خاص، گروه‌های فعال را از اجرای روش‌های ابتکاری خویش باز دارد. به هر حال برخی از پژوهش‌گران پنج ویژگی را برای این نوع تحقیقات برشمرده‌اند:

- مشارکت مردم تحت مطالعه در تحقیق
- شمول دانش مردمی (عامی)، تجربیات شخصی و سایر روش‌های غیرعلمی دانستن
- تمرکز بر توانمندسازی و روابط ناشی از توانایی
- افزایش دانایی و آموزش شرکت‌کنندگان
- فعالیت سیاسی

برداشت دیگری از تحقیقات مشارکتی مبتنی بر جامعه در اروپا به نام فروشگاه دانش (science shop) شناخته می‌شود. فروشگاه دانش حمایت‌های لازم برای تحقیقات مشارکتی در پاسخ به خواسته‌های تجربه شده جامعه مدنی را فراهم می‌سازد. واژه «فراهم کردن» در اینجا به این معنی است که فروشگاه دانش خدمات لازم را در حد استطاعت خود و خارج از محدودیت‌های مالی ارائه می‌کند. برای فروشگاه‌های دانش ساختار سازمانی معینی وجود ندارد و روش کار آنها به زمینه اجتماعی موجود بستگی دارد.

در اکثر کشورهای جهان دانشگاه‌ها نقشی پیش‌تاز در پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه ایفا می‌کنند. این نقش به صورت واسطه‌ای یا ایجاد پایگاه‌هایی برای کارورزی دانشجویان رشته‌های مختلف یا انجام تحقیقات مشارکتی با جامعه و برای جامعه، اجرا می‌شود. البته همراه با دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) مستقل یا وابسته به دانشگاه نیز فعال هستند. هدف تحقیقات مشارکتی ارتقای دانایی عمومی و کمک به توسعه از طریق افزایش سرمایه اجتماعی است و در اهداف آن انگیزه‌های تجاری، منفعت‌طلبی شخصی یا گروهی، جایی ندارد.

در ایران از حدود سه سال قبل رویکرد نوین پژوهش‌های مشارکتی مبتنی بر جامعه در سیاست‌گذاری پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ملحوظ شد. پایگاه‌های تحقیقات جمعیتی توسعه سلامت در بیش از ده دانشگاه علوم پزشکی با هدایت و حمایت معاونت تحقیقات و فن‌آوری وزارت مذکور دایر شده است که گرچه با دستور العمل‌های خاص و پی‌درپی هدایت می‌شوند، هر یک روشی را برای پیشبرد اهداف خودی گرفته‌اند. هر چند در دانشگاه‌ها تحقیقات مشارکتی مبتنی بر جامعه در برابر هژمونی تحقیقات سنتی قرار نگرفته ولی چندان هم مورد توجه اعضای هیأت علمی واقع نشده است. این رویکرد نوین به کوششی فراتر از فعالیت‌های موجود نیاز دارد تا بتواند زمینه‌های نگرشی و فکری لازم را در دانشگاه، مسؤولین اجتماعی و مردم ایجاد کند تا به درک عمومی و ژرف لازم از مفهوم تاریخی «توسعه» منجر شود.

این کوشش‌ها باید به تردیدهای موجود در ادامه یا توقف این پایگاه‌ها پاسخ مستند و مستدل و فراتر از پاسخ‌های احساسی و نمایشی ارائه کند. تداوم فعالیت پایگاه‌های تحقیقات جمعیتی موجود مستلزم روشن‌سازی منابع مالی، وجود ردیف‌های مالی مشخص در بودجه سالیانه دانشگاه برای وظیفه مسؤلیت‌پذیری اجتماعی (که بخشی از آن به صورت فعالیت‌های تحقیقاتی مبتنی بر جامعه است)، همکاری مسؤولین اجتماعی و سیاسی و درک متقابل و درست مردم از این فعالیت‌ها و پیاده کردن پارادایم‌های ارائه شده از سوی مروجان این پژوهش‌ها در یک منطقه است. به نظر می‌رسد وادارسازی برخی از دانشگاه‌ها به راه‌اندازی یا ادامه فعالیت این پایگاه‌ها بدون داشتن زمینه‌های فکری، اندیشه‌های توسعه اجتماعی، درک درست از پژوهش و بلوغ پژوهشی، همچنین روش «تغییر» از بیرون و پراگماتیسم، روشن نبودن راهکارها و روابط سازمانی و اجتماعی و مخلوط شدن وظایف، جابه‌جایی مدیریت‌ها، وجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی، وجود گروه‌های خاص و کمبود افراد با علاقه و توانمند در هدایت پژوهش‌های مشارکتی، به جایی می‌انجامد که اکنون اکثر این دانشگاه‌ها به آن رسیده‌اند.

تمرکزگرایی و صدور دستور از مرکزیت به تنهایی نمی‌تواند ظرفیت‌های لازم برای روش‌های تحقیقاتی مشارکتی را که در بستر سهیم شدن دانشگاه، مردم و سایر سازمان‌ها رشد می‌کند، فراهم نماید و به هر حال به نظر می‌رسد که فرآیند این تحقیقات باید با توجه به توسعه بر اساس دارایی دانشگاه و جامعه تحت پوشش آن، با شکیبایی بسیار و خارج از پاسخ‌گویی اداری در برابر مرکزیت، با خواست واقعی، با آزمودن روش‌های ابتکاری و تحلیل انتقادی مسیرهای طی شده، با نگاه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، با خلاقیت و با امید به موفقیت طی شود.

دکتر سعید آصف زاده

استاد گروه بهداشت و پزشکی اجتماعی و سردبیر مجله